



پرونده (جهش تولید با مشارکت مردم)

چهار ملاحظه راهبردی برای جهش تولید

شنبه ۱۸ فروردین ماه ۱۴۰۳ = ۲۶ رمضان ۱۴۴۵ = ۶ آوریل ۲۰۲۴ = سال سیزدهم شماره ۲۸۱۹ = ۴ صفحه نسخه دیجیتال



مؤلف دانشنامه فلسطین؛

متأسفانه با عمق جنایتی که در فلسطین اتفاق می افتد بیگانه ایم

مؤلف دانشنامه فلسطین گفت: مهم ترین ...

صفحه ۱۱



مسئله کهنه احیای پُست کتابدار در مدارس با حمایت قانون گذار حل می شود

عضو هیئت علمی گروه علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه الزهراء (س)، مهم ترین ...

صفحه ۱۱



کلید پیروزی در جنگ اقتصادی

دهه ۹۰ برای اقتصاد ایران و معیشت عمومی مردم دهه خوبی نبود، (ما در دهه ۹۰ به دلایل مختلف یک عقب ماندگی و به اصطلاح تعطیل نسبی مسائل اقتصادی داشتیم.

صفحه ۱۲



ما برنامه ریزی شده ایم که از زندگی لذت ببریم

هر جاکه پرنده ها باشن معمولاً آب هست، و هر جاکه آب باشه، زندگی هست، بد نمون طوری برنامه ریزی شده ...

صفحه ۱۰

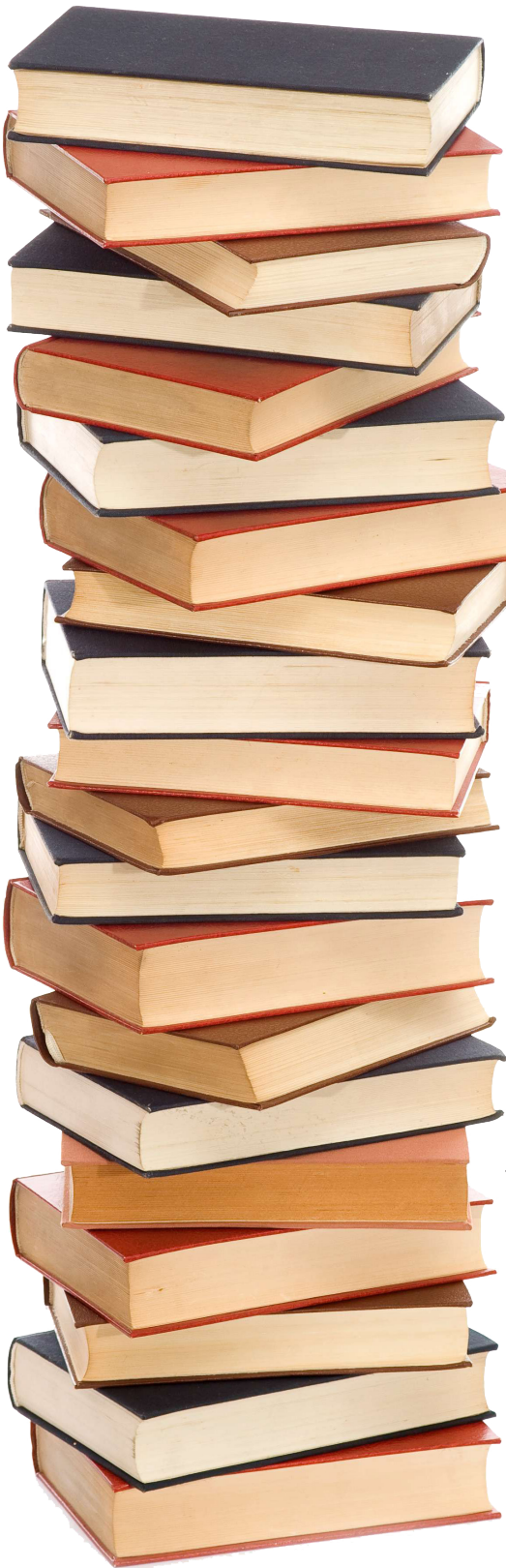
کودکان نباید به صورت عریان با واقعیت های جامعه روبه رو شوند



«پادشاه کوچکِ گول‌های بزرگ» به بازار نشر آمد

سپهرغرب، گروه کافه کتاب: کتاب «پادشاه کوچکِ گول‌های بزرگ» نوشته ناهید رحیمی به‌تازگی توسط انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب دربرگیرنده داستان پسر پی‌بی‌بی (بیزوین) است که به آرزوهایش فکر می‌کند. کتاب «پادشاه کوچکِ گول‌های بزرگ» با تصویرگری سحر خراسانی برای گروه سنی نونهال (بالای ۹ سال) مناسب است. در معرفی این کتاب آمده است: ذهن همه ما پر است از آرزوهای قشنگ. آرزوهایی که گاهی دور و درازند و گاهی شگفت‌انگیز. ذهن همه ما پر است از سؤال‌های بسیار. سؤال‌هایی که گاهی به بزرگی گول‌های بی‌شاخ و دم هستند و گاهی به کوچکی مورچه‌های ریزه‌میزه. «بیزوین» پسر ماجراجوست که مثل همه ما آرزوها و سؤال‌های زیادی دارد. آرزوهایی که برای به دست آوردنشان دست به سفری شگفت‌انگیز می‌زند؛ سؤال‌هایی که برای رسیدن به جوابشان هزار و یک راه را امتحان می‌کند. در سرزمینی عجیب با ساکنان عجیب‌ترش... سفری با یک عالم سوال و جواب... سفری که سرنوشت «بیزوین» را برای همیشه جوهر دیگری رقم می‌زند...

کودکان نباید به صورت عریان با واقعیت‌های جامعه روبه‌رو شوند



لازم نیست آقادر عریان به سراغ مرگ برویم. حتی الان هم اگر کتابی بخواهد مستقیم به مرگ و مفهوم مرگ برای کودکان اشاره کند، این‌گونه نیست که خیلی سراسرت و ناگهانی مرگ را انتزاعی و تشبیهی و با مثال و به صورت فلسفی، مرگ را پیش برده است. این نوع روایت به نظر من درست‌تر است. کودک سراسر از زندگی است و اگر قرار باشد که او حتی به‌طور ناخواسته با مفهوم مرگ در واقعیت زندگی آشنا یا روبه‌رو شود، باید نمادین باشد؛ نه اینکه کتابی بخواند که در آخرش، مرگ کودکی را ببیند. من به عنوان روان‌شناس چنین کتابی را نمی‌پسندم.

– به طور کلی، شما یک داستان کودک استاندارد را که روحیه و روان مخاطبش را در نظر گرفته باشد، چه داستانی می‌دانید؟

البته که نمی‌شود دسته‌بندی کرد؛ اما به نظر من کتاب کودک استاندارد کتابی است که در عین حال که می‌خواهد یک مفهوم واقعی را بگوید، کمی هم با خیال بچه بازی کند و نتیجه‌گیری هم نداشته باشد. قرار نیست که بچه‌ها یک موضوع شسته‌رفته را یاد بگیرند؛ وقتی کتابی نتیجه‌گیری داشته باشد انگار به مخاطب ابلاغ می‌شود که اگر با چنین اتفاقی در زندگی‌ات مواجه شدی الا و بلا نتیجه آن می‌شود. نتیجه را خود بچه‌ها یا توجه به زیست‌شان، خانواده‌شان، تجربیات و هر چیزی که در آن قرار دارند، رقم می‌زنند و خود به آن می‌رسند. قرار نیست یک کتاب کودک وقتی برای کودک خوانده می‌شود نتیجه را هم به او بگوید. کتاب کودک استاندارد کتابی است که روحیه و روان مخاطبش را هم در نظر بگیرد و اینکه کتاب برای کودک باشد. همان‌طور که قبلاً گفتم الان خیلی از کتاب‌های کودک، برای بزرگسالان است!

بله درخور توجه بیشتر است و نباید به سادگی از کنار آن رد نشویم. من خیلی دوست ندارم از این داستان، مضامین پنهانی دریاورم که حتی خود آندرسن هم به آن توجه نکرده است. واقعیت این است که «دخترک کبریت‌فروش» و یک‌سری کتاب‌های دیگر از این نویسنده در زمان خودش خیلی کتاب‌های خوبی بودند؛ چون به نظرم آن موقع کتاب‌های زیادی نبوده و این باعث می‌شد که کتاب بیشتر دیده شود. من به یک مسئله خیلی زیاد اعتقاد دارم و آن، این است که خیلی از کتاب‌های کودک برای کودک نیست و به زبان کودکانه برای بزرگسال نوشته شده است. اگر با این دید به برخی از کتاب‌های کودک نگاه کنیم، اتفاقاً تأثیرگذاری‌اش خیلی بیشتر می‌شود؛ مخصوصاً الان و کتاب‌های آندرسن. من فکر می‌کنم کتاب آندرسن، کتاب کودک یا تصویرگری‌ها و بیان کودکانه ولی برای بزرگسال بوده است. همین حالا هم اگر یک بزرگسال این کتاب را بخواند می‌تواند از آن چیزهایی دریابد که در زندگی خودش با آن مواجه شده است؛ ولی مواردی از آن به‌درد کودک امروز نمی‌خورد؛ چون کودک امروز مزاجش خیلی متفاوت است.

یکی از راه‌های جامعه‌پذیری کودکان و مواجهه آن‌ها با مسائل اجتماعی، ادبیات و داستان‌ها و قصه‌ها هستند. آیا شما داستان‌های کودک تألیفی امروز را در این مسیر موفق می‌دانید؟ آیا آن‌ها به خوبی توانسته‌اند جامعه و مسائل اجتماعی را برای کودکان در قالب داستان کودک بیان کنند؟

بله، به نظر من کتاب کودک به سرعت و با کیفیت خوبی دارد در جامعه ایران عرضه می‌شود و کتاب‌های تألیفی خیلی خوبی در سال گذشته منتشر شده است؛ البته هم کتاب کودک و هم نوجوان و هم تصویرگری‌هایشان که خیلی بی‌نظیرند. نویسنده‌های ایرانی خیلی خوب و خیلی بهتر از سال‌های پیش توانسته‌اند نیاز کودک جامعه ما را بشناسند و پاسخ درست و حساسی به آن دهند؛ هم از نظر طراحی و تصویرگری و هم از نظر نوشتار.

– پایان داستان «دخترک کبریت‌فروش» مرگ است. نشان دادن مرگ کودک در داستان کودک برای مخاطب کودک امروزه چه محدودودی از منظر روان‌شناسی کودکان دارد؟
در پاسخ به این سوال من دوباره تأکید می‌کنم که در این داستان، نویسنده روایت جامعه را خیلی عریان نشان می‌دهد و خیلی جالب نیست که بچه‌ها با چنین چیزی روبه‌رو شوند؛ مخصوصاً اینکه ناگهان در صفحه آخر و پایان داستان، دخترک می‌میرد. امروزه و برای کودکان امروز نیز

می‌توانند ارتباط بگیرند و خیلی از بچه‌ها هم نه، متوجه این مضمون نمی‌شوند یا اگر متوجه آن شوند به آن خیلی علاقه‌ای نشان نمی‌دهند. برای همین با واقعیت و داستان‌های رئال بیشتر ارتباط می‌گیرند؛ بنابراین نمی‌توانم چیزی بگویم که مطلق باشد یا نباشد یا هر چیزی دیگر. واقعیت و خیال در داستان می‌تواند تلفیقی باشد یا صرفاً باشد؛ چون خود کودک انتخاب می‌کند که الان با واقعیت می‌تواند آن موضوع را پیش ببرد یا با خیال؟ این را خود بچه‌ها تعیین می‌کنند نه ما.

– کودکان امروز در جامعه ما روحیاتی متفاوت از کودکان زمان‌های دیگر دارند؛ البته که کودک ۲۰ سال پیش هم با کودک ۵۰ سال قبل متفاوت است. از نظر روان‌شناسی کودک برای ما بگویید که داستان نویسی برای کودک امروز چقدر می‌تواند شبیه به نوع روایت هانس کریستین آندرسن باشد؛ آیا اصلاً از منظر مخاطب‌شناسی و روان‌شناسی کودکان، یک نویسنده این اجازه را دارد که با بیان واقعیت‌ها و تلخی آن‌ها، ذهن کودکان را هنگام مطالعه بهم بریزد و درگیر کند؟

قصه این است که بین کتاب کودک و کتاب بزرگسال یا حتی کتاب کودک و نوجوان در همین مسئله است. در کتاب کودک نباید خیلی سراسرت به دنبال واقعیت و تلخی گشت مخصوصاً تلخی؛ یعنی نباید یک نشانی سراسرت به بچه‌ها داد که بین این واقعیت جامعه است و تلخی‌ها وجود دارد. مسلماً بچه در هر برهه زمانی‌ای که باشد، وقتی آن کتاب را بخواند دچار تنش می‌شود؛ چون بچه‌ها از کتاب انتظار این را ندارند که با واقعیت عریان روبه‌رویشان کنند، بلکه کتاب را به عنوان سرگرمی می‌خوانند. حالا از منظر روان‌شناسی یا اتاق درمان یا هر چیزی که از کتاب استفاده شود، آن هم الگو و پارامترهای خودش را دارد. نمی‌شود اینقدر سراسرت یک واقعیت تلخ را کوباند در صورت بچه‌ها. همان مفهوم سوگ که الان خیلی از کتاب‌ها به آن می‌پردازند خیلی خيال‌انگیز و نمادین پیش می‌رود؛ یعنی سراسرت نیست. هر کودکی در هر سنی باشد حتی در کودکی خودم زمانی که «دخترک کبریت‌فروش» را می‌خواندم واقعاً برایم تلخ بود و مدت‌ها ذهنم را درگیر می‌کرد؛ چون در آن برهه اصلاً نیازی نیست که اینقدر عریان بچه‌ها با واقعیت‌های جامعه روبه‌رو شوند. از فقر و فلاکت گرفته تا جنگ و بدبختی تا هر چیزی دیگر.

کتاب خواندن برای کودکان یک رنگ تفریحی است؛ وقتی کتابی را باز کنند و در آن با تلخی عمیقی روبه‌رو شوند اصلاً برایشان جالب نیست، حتی می‌تواند باعث شود که از کتاب خواندن لذت نبرند. – آیا می‌توانیم داستان «دخترک کبریت‌فروش» را اثری درخور توجه بیشتر و ویژه‌تر بدانیم و به سادگی از کنارش رد نشویم؟

کارشناسی ارشد، در حوزه مطبوعات نوجوان و آموزش داستان‌نویسی به کودکان و نوجوانان نیز فعالیت کرده است. در ادامه گفت‌وگو ما را با این روان‌شناس کودکان می‌خوانید:

– هانس کریستین آندرسن نویسنده مشهور کودک در جهان است که آثار کودک متفاوتی دارد. یکی از آن‌ها داستان کوتاهی است به نام «دخترک کبریت‌فروش». در این داستان تلخی واقعیت به‌ویژه فقر و تأثیر آن در زندگی کودکان روایت و نشان داده است. به نظر شما آندرسن در این اثر از داستان و ادبیات به عنوان یک رسانه استفاده کرده بود تا وضعیت جامعه زمان خود را نشان دهد یا چنین برداشتی را نمی‌توان از این داستان داشت؟ ما نمی‌توانیم با قطعیت بگوییم که آندرسن در داستان «دخترک کبریت‌فروش» می‌خواست فقر را نشان دهد؛ چون در یک‌سری آثار هوشنگ مرادی کرمانی هم فقر و اختلاف طبقاتی را زیاد می‌بینیم؛ از «قصه‌های معبد» تا چند داستان دیگر. یکی از ویژگی‌های محتوایی داستان «دخترک کبریت‌فروش» می‌تواند این باشد که نویسنده درنظر داشته تضاد طبقاتی و فقر را به ما نشان دهد؛ ولی لزوماً منظورش این نبوده است و صرفاً این را نمی‌خواسته نشان دهد. قطعاً چیزهای دیگری همراه این مضمون بوده و هست.

– شما رابطه بین روایت واقعیت‌ها در داستان کودک برای کودکان را چطور می‌بینید؟ چه محدودی برای آن قائل هستید؟ بستگی زیادی به کودک دارد. مسئله‌ای در این میان وجود دارد؛ اینکه الان آنچه در کتاب‌های کودک وجود دارد این است که زیاد دستکاری می‌شود تا در نهایت اثر با بیان کودکانه اما برای بزرگسال مناسب می‌شود. من نمی‌خواهم خیلی مطلق صحبت کنم؛ چون خیلی از بچه‌ها با واقعیت و مفهوم‌های

سپهرغرب، گروه کافه کتاب: عطیه میرزاامیری گفت: در کتاب کودک نباید خیلی سراسرت به دنبال واقعیت و تلخی گشت مخصوصاً تلخی؛ یعنی نباید نشانی سراسرت به بچه‌ها داد که «بین این واقعیت جامعه است و تلخی‌ها وجود دارد». وقتی کودک آن کتاب را بخواند دچار تنش می‌شود؛ چون آن‌ها از کتاب انتظار این را ندارند که با واقعیت عریان روبه‌رویشان کنند، بلکه کتاب را به عنوان سرگرمی می‌خوانند.



عطیه میرزاامیری

به مناسبت روز جهانی کتاب کودک که مصادف با زادروز هانس کریستین آندرسن، نویسنده دانمارکی ادبیات کودک بود، نوع داستان‌نویسی این نویسنده مشهور را با توجه به کودکان امروز در گفت‌وگو با یک روان‌شناس کودکان بررسی کردیم. عطیه میرزاامیری متولد ۱۳۷۱ است و علاوه‌بر تحصیل در رشته روان‌شناسی کودک در مقطع



ما برنامه‌ریزی شده‌ایم که از زندگی لذت ببریم

همچون رعده نشر افق با ترجمه کیوان عییدی آشتیانی چاپ کرده، داستانی است که در عین فاصله داشتن از تجربه روزمره، به‌شدت قابل لمس و نزدیک است. شخصیت‌ها، حرف‌ها و احساس‌ها مصنوعی به نظر نمی‌رسند و جاسمین وارگا سعی نکرده به نوجوان بودن دوازده‌ساله تبدیل شده و از دریچه چشم آن‌ها به جهان نگاه کرده است. در عین سنگین و پیچیده بودن موضوع‌هایی که در این رمان به آن‌ها پرداخته می‌شود، نویسنده اجازه نمی‌دهد جو نامیدی بر فضا غالب شود و همواره نیمه پر لیوان را در گوشه ذهنش دارد، اما نه به شکلی که نگاه واقع‌گرایانه به وضعیت از بین برود. «از بین تمام صداهایی که در دنیا وجود دارد، ما صدای پرنده‌ها رو بهتر از همه می‌شنویم. و من دونی چرا؟ احتمالاً فکر می‌کردی غرش شیرها یا بقیه حیوان‌های درنده رو بهتر می‌شنویم، درست؟ ولی نه، جیرجیر پرنده‌ها رو می‌شنویم، چون هر جا که پرنده‌ها باشن معمولاً آب هست. و هر جا آب باشه، زندگی هست. بدنمون طوری برنامه‌ریزی شده که از زندگی لذت ببره، نه اینکه برترسه. جالب نیست؟»

مدرسه برسیم که به کوئین گفته بود؛ «کوئین، در هیچ‌کدوم از این اتفاق‌ها تو مقصر نبودی که حالا بخوای درستش کنی. این مسئولیت منه، و بقیه بزرگسال‌ها ما به دنیایی ساختیم که برای شما بچه‌ها امن نیست، و ما باید بلند شیم و فکر کنیم چه‌طور باید از شماها مراقبت کنیم.» هویت هم چون مسئله مهم دیگری است که در رمان همچون رعده به آن پرداخته شده. از روی چهره کورا نمی‌تواند ملیتش را تشخیص داد و وقتی کسی می‌فهمد پدر او یک مهاجر لبنانی است، انتظار دارد این دختر همه چیز را درباره لبنان و خاورمیانه بداند، درحالی که او چیز زیادی درباره میراث پدری‌اش نمی‌داند. عربی بلد نیست و نمی‌داند پایتخت عربستان سعودی کجاست، هرچند معلمش چنین انتظاری دارد. گاهی کورا به خودش می‌آید و دچار تردید می‌شود که اصلاً کیست و اهل کجاست. بحران‌های این چنینی در سن نوجوانی عجیب نیست و بسیاری با آن درگیر می‌شوند، ولی کم‌تر پیش آمده که از چشم یک نوجوان دورگه به آن نگاه کنیم. اینکه نویسنده تجربه‌هایی از این دست در زندگی‌اش داشته است، به واقعی‌تر شدن و باورپذیری موقعیت در داستان کمک کرده.

داستان‌اند. جاسمین وارگا مستقیم و رنگ غیرمستقیم از احساسات می‌نویسد و رنگ و بوی غمی سنگین و درعین حال کورسویی از امید در سراسر داستان جاری است که فراموش‌نشده‌اند. نامه‌های کوئین به پارکر هم یکی دیگر از نقاط قوت کتاب‌اند که نمی‌توان از فکر کردن به آن نامه‌ها دست برداشت و نمی‌توان سوال‌هایی که کوئین از خودش و برادرش می‌پرسیم، از خودمان نپرسیم. نمی‌توانیم تصمیم بگیریم تقصیر چه کسی است اگر یک روز یک نوجوان تفنگ پدرش را بردارد و هم‌مدرسه‌اش‌ای که معلم‌هایش و بعد هم خودش را به رگبار ببندد، تقصیر پدرش است که در وهله اول آن تفنگ‌ها را خرید؟ تقصیر مادرش است که هیچ‌وقت نپرسید که او پشت کامپیوترش چه کار می‌کند و چرا دیگر دوست ندارد با کسی ارتباط برقرار کند؟ تقصیر خواهرش است که یک روز چیزی دید و به کسی نگفت؟ تقصیر آدم‌های نوبی کامپیوتر است؟ تقصیر کیست؟ یعنی واقعاً راه‌حل همین است که مثل کورا و کوئین راه بیفتیم و تلاش کنیم رمز و راز سفر در زمان را کشف کنیم تا مشکلات حل شوند؟ شاید هم آخر سر به حرف کتابدار

دوازده‌ساله‌ی دیگر دارد. نه به‌خاطر اینکه پدرش مهاجر و خودش دورگه است و نه به‌خاطر هوش سرشارش، بلکه به‌خاطر اینکه خواهر بزرگترش، میبل، را در یک حادثه تیراندازی در مدرسه از دست داده. «پلک می‌زنم تا بابا نتواند اشک‌هایم را ببیند، باید برایش دختری قوی باشم. حالا من تنها دختر خانواده‌حاملم.» فصل بعد کتاب همچون رعده را از زبان کوئین می‌خوانیم. بهترین دوست (سابق) کورا، کوئینی که از بچه‌های مدرسه دوری می‌کند و در تلاش است عشقش به فوتبال را از سرش بیرون کند و به جای آن روی تحقیق درباره پروژه‌ای که در سر دارد، تمرکز کند؛ پروژه‌ای که قرار است همه چیز را درست کند. کوئین خودش را با جست‌وجو درباره سفر در زمان مشغول کرده. او مطمئن است اگر موفق شود، می‌تواند همه را نجات دهد. اگر موفق شود، دیگر برادرش، پارکر، تیراندازی در مدرسه را انتخاب نمی‌کند، میبل و چند دانش‌آموز و معلم دیگر هم هرگز جان‌شان را از دست نمی‌دهند، پدر و مادرش رز و شب باهم دعوا نمی‌کنند و دوستی کوئین و کورا هم هیچ‌وقت خراب نمی‌شود. پیرنگ و فضاسازی از مهم‌ترین نقاط قوت

پارکر برادر کوئین بهترین دوست کورا بوده است. کورا نمی‌تواند با ماجرای مرگ خواهرش کنار بیاید. دوستش را هم نمی‌تواند به‌خاطر کاری که برادش مرتکب شده بیخشد. در طرف دیگر کوئین هم نمی‌تواند با این اتفاق کنار آمده و برادرش را بیخشد. او که به سفر در زمان فکر می‌کند، یکنقشه می‌کشد و... رمان «همچون رعده» در ۳۸ فصل نوشته شده است. فاطمه حیدری نویسنده و پژوهشگر یادداشتی با عنوان «ما برنامه ریزی شده‌ایم که از زندگی لذت ببریم» نگاهی به این‌رمان داشته است. مشروح متن یادداشت مورد اشاره در ادامه می‌آید: «ماجرای رمان همچون رعده ناآشنا نیست. داستان‌های زیادی درباره دوستی خواننده‌ایم، درباره دوستی‌هایی که خراب شده‌اند یا درباره تفاوت و تبعیض، خشونت و تیراندازی و غم. ولی ترکیب همه این‌ها باهم معجون خوشایند است که در همچون رعده نوشته‌ی جاسمین وارگا اتفاق افتاده. داستان را کورا شروع می‌کند. دختری که خوره علم است و حافظه‌اش پر است از هزار جور نکته ریز و درشت درباره هر چیزی. از طبیعت تا ریاضیات و تاریخ. کورا یک تفاوت اساسی با بیشتر دخترهای

سپهرغرب، گروه کافه کتاب: هر جا که پرنده‌ها باشن معمولاً آب هست. و هر جا آب باشه، زندگی هست. بدنمون طوری برنامه‌ریزی شده که از زندگی لذت ببره، نه اینکه برترسه.



همچون رعده

رمان نوجوان «همچون رعده» نوشته جاسمین وارگا به‌تازگی با ترجمه کیوان عییدی آشتیانی توسط نشر افق منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب دو بیست و پنج‌ه‌وسومین عنوان مجموعه «رمان نوجوان» است که این‌ناشر چاپ می‌کند و سال ۲۰۲۱ به‌عنوان برگزیده سال کتابداران آمریکا معرفی شده است. جاسمین وارگا نویسنده این کتاب، متولد سال ۱۹۸۸ و نویسنده ادبیات کودک و نوجوان در آمریکا است. از این نویسنده پیش‌تر ترجمه رمان «قلب من و دیگر سیاه‌چاله‌ها» در ایران منتشر شده که اولین رمان منتشرشده از اوست و به ۲۰ زبان ترجمه شد.

«همچون رعده» سال ۲۰۲۱ منتشر شد. داستان این‌رمان درباره چند نوجوان است. کورا حامد پدري مسلمان و لبنانی دارد و خواهرش را در تیراندازی مدرسه از دست داده است. تیرانداز آن حادثه،



چاپ کتاب خاطرات سهیل اسعد از آرژانتین و لبنان

سپهرغرب، گروه کافه کتاب: کتاب «تولد در سرزمین مارادونا» نوشته مه‌ری السادات معرک‌نژاد به‌تازگی توسط انتشارات عهدمانا منتشر و روانه بازار نشر شده است. این کتاب دربرگیرنده خاطرات سهیل اسعد پژوهشگر و مجری تلویزیون است که به‌عنوان یک‌مسلمان آرژانتینی در ایران و جهان شناخته می‌شود. به گفته ناشر اثر، اگرچه نام این کتاب شاید مخاطب را به یاد فوتبال و فوتبالیست‌ها بیاورد، اما در واقع این کتاب خاطرات یک هنرنییشه‌تاثرات است که در آرژانتین متولد شده و اطلاعات چندانی از اسلام ندارد و طبیعتاً در قید و بند دین و احکام دینی نبوده، حال‌اما او یک مبلغ دینی است که ما آن را به اسم سهیل اسعد می‌شناسیمش. کتاب «تولد در سرزمین مارادونا» دربرگیرنده خاطرات سهیل اسعد است که از آرژانتین شروع شده و تا لبنان و بعدها ایران ادامه پیدا می‌کند.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «فوتبال توی آرژانتین یک فرهنگ است، یک فرهنگ جدانشدنی. هر پسرچه‌ای که توی این کشور به دنیا می‌آید همه برایش آرزوی مارادونا شدن دارند. آن قدر فوتبال مهم است که در هر محله‌ای یک استادیوم بزرگ و کامل فوتبال هست. ساعت پنج به بعد که بچه‌ها از مدرسه می‌آیند و استراحت می‌کنند...»

sepehrgharb.news@gmail.com



مجد مفاغ

سپهرغرب، گروه کافه کتاب: مؤلف **دانشنامه فلسطین قمت:** **مهم‌ترین انگیزه من، وجود تاریخ‌نگاری‌های جعلی غربی‌ها در مورد کشورهای اسلامی بود؛ متأسفانه تحت تأثیر جریان‌های مسلط در حوزه تاریخ‌نگاری قرار داریم. لذا تصمیم گرفتیم برای اینکه تاریخ درست و واقعی کشورهای اسلامی را تبیین کنم به تاریخ‌نگاری بپردازم.**

مسئله فلسطین باید در قالب سوزه‌های مختلف کار شود. فلسطین هزاران سوزه دارد که می‌توان به تصویر کشید، حتی می‌توان فیلم‌های بلند و کوتاه و آثار مکتوب متعدد در این زمینه تولید کرد. البته محققان باید از سوی دستگاه‌های دولتی هم مورد حمایت قرار بگیرند. باید عموم مردم به این پژوهش‌ها دسترسی داشته باشند. مجید صفا‌تاج، کشناس مسائل غرب آسیا و مؤلف **دانشنامه فلسطین** با بیان اینکه من بیش از سی سال یعنی از سال هفتاد در حوزه پژوهشی فلسطین فعال هستم، به گفت‌وگو با ایبنا نشست که در ادامه می‌خوانیم:

تعدد آثار شما در زمینه فلسطین گویای این است که مدت زمان زیادی است که به پژوهش در این زمینه مشغول هستید، چه انگیزه و هدفی شما را به انجام این کار ترغیب کرد؟

مهم‌ترین انگیزه من، وجود تاریخ‌نگاری‌های جعلی غربی‌ها در مورد کشورهای اسلامی بود؛ متأسفانه تحت تأثیر جریان‌های مسلط در حوزه تاریخ‌نگاری قرار داریم. لذا تصمیم گرفتیم برای اینکه تاریخ درست و واقعی کشورهای اسلامی را تبیین کنم به تاریخ‌نگاری بپردازم. اولین سرزمین که تاریخ آن تعریف شده و در معرض فراموشی قرار گرفته بود سرزمین فلسطین بود که تاریخش تعریف شده بود و مردم و ملتش بیرون رانده شده بودند و رژیم بنیادنگاری شده بود که هیچ پیشینه تاریخی در این سرزمین نداشت. ساکنان این رژیم جدید از نقاط مختلف جهان به این سرزمین انتقال داده شده‌اند. بر این اساس تصمیم گرفتیم اول در حوزه فلسطین کار کنم و اولین موضوع برای من قضیه فلسطین بود.

از سال هفتاد پژوهش و تألیف **دانشنامه فلسطین** را شروع کردم؛ اما متأسفانه با این مشکل مواجه بودیم که مسئولین امر در حوزه‌های مختلف کمتر به این موضوع توجه داشتند و کمتر برای می‌دادند. در حالی که بنیادگذار انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) و همچنین پس از ایشان مقام معظم رهبری بر قضیه فلسطین و دشمن صهیونیستی و لزوم تبیین معارف فلسطین تأکید کرده‌اند؛ اما در زمینه فلسطین کار درخورد توجهی که یک تناسب منطقی با توصیه‌ها و تأکیدات امامین انقلاب اسلامی باشد، انجام نشده است.

دانشنامه فلسطین چه مباحثی را در بر دارد و تولید آن مستلزم چه هزینه‌هایی بود؟

من با یک جمع حدود ۸۰ نفره و با هزینه شخصی این کار را شروع کردم. کاری که دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی نتوانست و یا نخواست آن را به انجام برساند. بعد از ۲۵ سال یک مجموعه هشت جلدی

دانشنامه فلسطین برای چاپ آماده شد. دانشنامه فلسطین بیش از چهار هزار مدخل دارد و همچنین یک دانشنامه صهیونیست و اسرائیل که آن هم ۶ جلدی است. آن هم بیش از سه هزار مدخل دارد و تخصصی صهیونیسم و اسرائیل است. دست تنها با هزینه‌های بسیار این کار را به انجام رساندم. انتظار این بود که مسئولان امر حمایت کنند؛ اما متأسفانه حمایت چندانی از این کتاب نشد. الان هم که چندین سال از انتشار این مجموعه هشت جلدی دانشنامه فلسطین توسط انتشارات آفاق روشن بیداری می‌گذرد، تا الان یک نسخه یا یک دوره از این مجموعه هشت جلدی نه توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نه توسط نهاد کتابخانه‌های کشور خریداری نشده است.

گفتید که تولید چنین کتاب‌هایی با اندیشپدین تمهیدات خاص و گذر از موانع بسیار امکانپذیر است، سیستم توزیع کتاب در کشور تا چه حد در به بازاررسانی کتاب به مؤلف و ناشر کمک می‌کند و اساساً در این زمینه ناشران با چه مشکلاتی روبه‌رو هستند؟

متأسفانه به دلیل عدم شناخت کافی و درک درست متولیان امور فرهنگی و کتابخانه‌ای کشور از قضیه فلسطین، برای توزیع **دانشنامه فلسطین** در کتابخانه کشور با مشکل جدی روبه‌رو بوده و هستیم؛ تأکید می‌کنم که حتی یک دوره کامل از **دانشنامه فلسطین** منتشر شده توسط موسسه آفاق روشن بیداری تاکنون خریداری نشده تا در کتابخانه‌های کشور توزیع شود.

اینجانب پس از گذشت چند سال از انتشار این مجموعه ۸ جلدی توسط انتشارات آفاق روشن بیداری مجبور شدم به حضور مقام معظم رهبری نامه‌ای ارسال کنم و در آن نامه از من قضیه گله‌کنم. البته ایشان از سال ۱۳۷۲ که من کار دایرة‌المعارف فلسطین را گزارش دادم در جریان هستند و کتاب را به صورت حضوری نیز به ایشان تقدیم کرده‌ام. سؤال اینجانب از مقام معظم رهبری این بود که بنا بر توصیه حضرت عالی و بنیادگذار انقلاب اسلامی ایران و همچنین تأکیدی که در قانون اساسی شده است، شخص اینجانب به دلیل علاقه‌مندی که به این موضوع دارم، در این حوزه پژوهش کردم و در مجموع ۱۴۰ کتاب پژوهشی تألیف کرده‌ام که تا امروز ۱۱۴ عنوان آنها منتشر شده است؛ اگر قرار باشد که این کتاب‌ها در حد ۱۰ نسخه منتشر شود، وظیفه من چیست؟

وظیفه من این بوده است که پژوهش و تحقیق و کتاب تألیف کنم و برای دانشجویان و اساتید دانشگاه، اقشار مختلف مردم و علاقه‌مندان کارگاه‌های آموزشی راه‌اندازی کنم. اما در حوزه توزیع این کتاب نیازمند یاری هستم. وظیفه ذاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی این است که اگر قرار کتاب‌ها را خریداری کرده و در اختیار دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و افراد علاقه‌مند قرار بدهد. منتهی آنچه که من برداشت کردم این است که متأسفانه متولیان امور فرهنگی کشور بیشتر به دنبال کمیت هستند تا کیفیت. به عنوان نمونه عرض می‌کنم که یکی از معاونان فرهنگ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نه در این دوره بلکه در دوره‌های قبل با صراحت تأکید کرد که ما به جای خرید این دانشنامه می‌توانیم دیویسنت کتاب در قطع کوچکتر خریداری

کنیم، در حالیکه **دانشنامه فلسطین** تنها یک عنوان است. زمانی که چنین دیدگاهی وجود داشته باشد، و بجای کیفیت دنبال کمیت باشند؛ متأسفانه قشر جوان، قشر تحصیلکرده و حتی مسئولان ما نسبت به قضیه فلسطین و عمق جنایتی که در این سرزمین اتفاق می‌افتد بیگانه و ناآشنا خواهند بود؛ به همین دلیل است که برخی افراد شعار «نه غزه، نه لبنان» در سرم می‌دهند. در صورتی که اگر ماهیت رژیم صهیونیستی را بدانند، هیچگاه یک ایرانی که ایران را دوست دارد، چنین شعاری سر نمی‌دهد.

شرحی در خصوص مبنای تاریخی و لزوم مبارزه با اسرائیل بیان کنید، اساساً چه ضرورتی شما را بر آن داشت تا به همگان این نکته را گوشزد کنید که اسرائیل دشمن جهان اسلام است؟

اسرائیل یک غده سرطانی است که به فلسطین بسنده نمی‌کند بلکه چشم طمع به جهان اسلام دارد. ما دقیقاً دیدیم در سال ۱۳۶۱ یعنی ۱۹۸۲ میلادی که ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان حمله کرد. وزیر جنگ آن زمان، «شارون» طرحی را برای تصرف چاه‌های نفتی منطقه خلیج فارس مطرح کرد. اسرائیل یک غده سرطانی است که به فلسطین خلیج فارس، نفت این منطقه، نه یک نفت عربی، بلکه یک نفت یهودی خواهد بود. ولی با شکل‌گیری مقاومت اسلامی لبنان، عملاً از این سیاست توسعه طلبانه رژیم صهیونیستی در منطقه جلوگیری شد و این طرح شارون، عملاً اجرا نشد.

رژیم صهیونیستی ماهیتی توسعه‌طلبانه دارد. هیچگاه یک انسان آزادی‌خواه و یک روشنفکر به تمام معنا و یک وطن‌دوست که نسبت به ماهیت رژیم صهیونیستی و عمق فاجعه فلسطین شناخت داشته باشد، شعار نه غزه و نه لبنان سر نخواهد داد. در خوشبینانه‌ترین حالت مسئولان امر، در این قضیه کم‌کاری کرده‌اند و توجهی به قضیه فلسطین نداشتند. همچنان که **دانشنامه فلسطین** از سوی موسسه فرهنگی هنری انتشاراتی آفاق روشن بیداری منتشر شده، بیش از پنج بیسیان (حدود ۵۰۰ هزار) در جاهای مختلف انبار شده است. اما این **دانشنامه** را تاکنون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نهاد کتابخانه‌های کشور، برای کتابخانه‌های سراسر کشور نخریده‌اند. البته به تازگی وزارت ارشاد صد دوره از فرهنگ سه جلدی جامع فلسطین را خریداری کرده است. امیدواریم که در مورد **دانشنامه فلسطین** هم اقدامی انجام بگیرد.

در برخی از خبرگزاری‌ها آمده است که یک سال از تخلیه و مصادره کتاب‌های کتابخانه شخصی و تخصصی انقلاب و مقاومت اسلامی از سوی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران در دهه فجر انقلاب می‌گذرد و اطلاعیه‌ای نیز در این زمینه از سوی روابط عمومی موسسه فرهنگی هنری آفاق روشن بیداری منتشر شد، در این باره نیز شرحی بیان کنید.

تنها کتابخانه تخصصی شخصی و غیر انتفاعی حوزه انقلاب و مقاومت و دشمن شناسی در شهر تهران که متعلق به موسسه فرهنگی، پژوهشی و هنری آفاق روشن بیداری است، برای سومین بار توسط شهرداری تهران تخلیه و کتابهای آن مصادره شده است. اولین بار در دوره شهرداری آقای حناچی شهردار قبلی تهران، توسط شهرداری

تهران بدون اطلاع قبلی تخلیه گردید و کتاب‌ها و تجهیزات فرهنگی آنکه بیش از پنج‌ه میلیارد ریال ارزش داشت به مکان متروکه‌ای انتقال داده شد. پس از پیگیری موضوع در قوه قضاییه و رسانای شدن آن، بنابر دستور رییس سازمان فرهنگی هنری شهرداری وقت تهران، جناب حجت الاسلام والمسلمین امرودی، کتابخانه مزبور به فرهنگسرای انقلاب اسلامی انتقال یافت و به طور رسمی نیز در اواخر اردیبهشت ۱۳۹۹، توسط ایشان و برخی از شخصیت‌های فرهنگی کشوری و نهضتی و فلسطینی افتتاح گردید که گزارش‌ها و تصاویر آن نیز در رسانه ملی و دیگر خبرگزاری‌ها وجود دارد. این کتابخانه، برای دومین بار، در دوره شهرداری آقای دکتر زاکانی، توسط سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، در فرهنگسرای انقلاب اسلامی، تخلیه شد و به محل دیگری در همان فرهنگسرا منتقل شد؛ اما دیری نپایید که متأسفانه برای سومین بار نیز، مجدداً، کتابخانه از محل مزبور، در بهمن ماه سال گذشته (۱۴۰۱)، تخلیه شده و کتاب‌های آن و تجهیزات اداری موسسه فرهنگی هنری آفاق روشن بیداری مصادره شده است.

منطقه ۷ تهران بدون اطلاع قبلی تخلیه گردید و کتاب‌ها و تجهیزات فرهنگی آنکه بیش از پنج‌ه میلیارد ریال ارزش داشت به مکان متروکه‌ای انتقال داده شد. پس از پیگیری موضوع در قوه قضاییه و رسانای شدن آن، بنابر دستور رییس سازمان فرهنگی هنری شهرداری وقت تهران، جناب حجت الاسلام والمسلمین امرودی، کتابخانه مزبور به فرهنگسرای انقلاب اسلامی انتقال یافت و به طور رسمی نیز در اواخر اردیبهشت ۱۳۹۹، توسط ایشان و برخی از شخصیت‌های فرهنگی کشوری و نهضتی و فلسطینی افتتاح گردید که گزارش‌ها و تصاویر آن نیز در رسانه ملی و دیگر خبرگزاری‌ها وجود دارد. این کتابخانه، برای دومین بار، در دوره شهرداری آقای دکتر زاکانی، توسط سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، در فرهنگسرای انقلاب اسلامی، تخلیه شد و به محل دیگری در همان فرهنگسرا منتقل شد؛ اما دیری نپایید که متأسفانه برای سومین بار نیز، مجدداً، کتابخانه از محل مزبور، در بهمن ماه سال گذشته (۱۴۰۱)، تخلیه شده و کتاب‌های آن و تجهیزات اداری موسسه فرهنگی هنری آفاق روشن بیداری مصادره شده است.

گویا برای پیگیری این مساله اطلاعیه‌ای در رسانه‌ها منتشر کرده‌اید در این اطلاعیه چه آمده بود؟

در شرایطی که رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای (مدظله) همواره بر نشر معارف انقلاب اسلامی و مقاومت و بویژه معارف فلسطین و دشمن‌شناسی تأکید داشته‌اند و این کتابخانه نیز به همین منظور توسط موسسه فرهنگی، پژوهشی و هنری آفاق روشن بیداری برای استفاده دانش پژوهان و علاقه‌مندان به موضوعات مرتبط با انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، فلسطین و نظام سلطه جهانی و صهیونیسم بین‌الملل و ... تشکیل شده بود؛ و در شرایطی که هنوز خون سردار سرفراز مقاومت و نهضت جهانی اسلام سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی خنک نشده و تصاویر آن رادمرز بزرگ بر دیوارهای شهر تهران نقش

متأسفانه با عمق جنایتی که در فلسطین اتفاق می‌افتد بیگانه‌ایم



کتابخانه همچنان خالی و بدون فعالیت باقی مانده است.

در محل جدید کتابخانه که محل تجمع و بهره‌برداری دانش‌پژوهان بود؛ جلسات متعددی در مورد پاسخ به شبهات سیاسی و تاریخی جوانان که پس از پیگیری‌های مکرر در دوره شهرداری قبلی و طبق تفاهنامه بین مدیر مسئول موسسه فرهنگی هنری آفاق روشن بیداری و سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران به فرهنگسرای انقلاب اسلامی انتقال یافته بود؛ متأسفانه دو بار بدون توافق و اطلاع رسانی به مسئول موسسه، تخلیه شد؛ و در مرحله دوم، در بهمن ماه سال گذشته و مقارن با دهه فجر انقلاب اسلامی، متأسفانه بیش از ده هزار جلد کتاب‌های شخصی و تجهیزات اداری موسسه فرهنگی هنری آفاق روشن بیداری مصادره شده است. کتابخانه‌ای که حاصل تلاش‌های ۴۰ ساله فردی است که، از سویی در سنگر جهاد و مبارزه از سال ۱۳۶۰ (بیش از ۴۱ سال - از عملیات طریق‌القدس] هم‌رزم و همسنگر و همکار و همراه و همفکر شهید عزیز سردار حاج قاسم سلیمانی بوده؛ و از طرفی دیگر، در سنگر فرهنگ و دانش، بیش از ۱۴۰ جلد کتاب در حوزه‌های مورد توافق راحل و مقام معظم رهبری (انقلاب، مقاومت، اندیشه سیاسی اسلام، دفاع مقدس و معارف نظام سلطه و صهیونیسم شناسی) تألیف و یا منتشر کرده که در نوع خود در تاریخ جمهوری اسلامی ایران - اگر نگوییم بی‌نظیر بوده - لاقلم کم نظیر است.

کتابخانه شخصی انقلاب، مقاومت و بیداری اسلامی و دشمن شناسی موسسه فرهنگی هنری آفاق روشن بیداری، با بیش از ده هزار جلد کتاب که _محاصل بیش از ۴۰ سال تلاش است_ به صورت رایگان در اختیار عموم علاقه‌مندان و پژوهشگران این حوزه قرار گرفته است. پس از آمدن آقای باقری رئیس جدید سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، متأسفانه به بهانه اینکه محل کتابخانه را لازم دارند، اعلام کردند تخلیه شود؛ که به یک سالن در همان فرهنگسرا انتقال یافت و تابلو کتابخانه تخصصی انقلاب و مقاومت اسلامی نیز کلاً برداشته شد؛ در حالی پس از گذشت یکسال، آن مکان قبلی که مالک شخصی آنها هستیم؛ حرام شرعی است.

کتابخانه همچنان خالی و بدون فعالیت باقی مانده است. در محل جدید کتابخانه که محل تجمع و بهره‌برداری دانش‌پژوهان بود؛ جلسات متعددی در مورد پاسخ به شبهات سیاسی و تاریخی جوانان که پس از پیگیری‌های مکرر در دوره شهرداری قبلی و طبق تفاهنامه بین مدیر مسئول موسسه فرهنگی هنری آفاق روشن بیداری و سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران به فرهنگسرای انقلاب اسلامی انتقال یافته بود؛ متأسفانه دو بار بدون توافق و اطلاع رسانی به مسئول موسسه، تخلیه شد؛ و در مرحله دوم، در بهمن ماه سال گذشته و مقارن با دهه فجر انقلاب اسلامی، متأسفانه بیش از ده هزار جلد کتاب‌های شخصی و تجهیزات اداری موسسه فرهنگی هنری آفاق روشن بیداری مصادره شده است. کتابخانه‌ای که حاصل تلاش‌های ۴۰ ساله فردی است که، از سویی در سنگر جهاد و مبارزه از سال ۱۳۶۰ (بیش از ۴۱ سال - از عملیات طریق‌القدس] هم‌رزم و همسنگر و همکار و همراه و همفکر شهید عزیز سردار حاج قاسم سلیمانی بوده؛ و از طرفی دیگر، در سنگر فرهنگ و دانش، بیش از ۱۴۰ جلد کتاب در حوزه‌های مورد توافق راحل و مقام معظم رهبری (انقلاب، مقاومت، اندیشه سیاسی اسلام، دفاع مقدس و معارف نظام سلطه و صهیونیسم شناسی) تألیف و یا منتشر کرده که در نوع خود در تاریخ جمهوری اسلامی ایران - اگر نگوییم بی‌نظیر بوده - لاقلم کم نظیر است.

کتابخانه شخصی انقلاب، مقاومت و بیداری اسلامی و دشمن شناسی موسسه فرهنگی هنری آفاق روشن بیداری، با بیش از ده هزار جلد کتاب که _محاصل بیش از ۴۰ سال تلاش است_ به صورت رایگان در اختیار عموم علاقه‌مندان و پژوهشگران این حوزه قرار گرفته است. پس از آمدن آقای باقری رئیس جدید سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، متأسفانه به بهانه اینکه محل کتابخانه را لازم دارند، اعلام کردند تخلیه شود؛ که به یک سالن در همان فرهنگسرا انتقال یافت و تابلو کتابخانه تخصصی انقلاب و مقاومت اسلامی نیز کلاً برداشته شد؛ در حالی پس از گذشت یکسال، آن مکان قبلی که مالک شخصی آنها هستیم؛ حرام شرعی است.

مسئله کهنه احیای پُست کتابدار در مدارس با حمایت قانون‌گذار حل می‌شود

با پرورش مهارت‌های مطالعاتی و پژوهشی، تفکر

سپهرغرب، گروه کافه کتاب: عضو هیئت‌علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه الزهرا (س)، مهم‌ترین مطالبه جامعه کتابداری از مجلس دوازدهم را تعیین و تکلیف طرح «نحوه تاسیس و اداره کتابخانه‌های عمومی»، ایجاد زمینه احیای «پُست کتابدار» در مدارس و حمایت از تولید ارزان کتاب می‌داند.

الهه حسینی درباره مطالبات جامعه کتابداری از مجلس دوازدهم اظهار کرد: به نظر می‌رسد جامعه کتابداری در سه مورد مطالبه مهمی از مجلس دوازدهم دارد. نخستین مطالبه؛ احیای پُست کتابدار در کتابخانه آموزشگاهی است. متأسفانه چند سالی است که حذف پُست کتابدار از کتابخانه‌های آموزشگاهی و مدارس موجب شده این کتابخانه‌ها از رونق بیفتند و کاربرد و کارکرد اصلی خود را از دست بدهند؛ حتی برخی مدارس که کتابخانه دارند، به دلیل نداشتن کتابدار متخصص نمی‌توانند اهداف اصلی خود را در حوزه مطالعه و آموزش و پژوهش محقق کنند.

وی با بیان اینکه مجلس با ایجاد زمینه احیای پُست کتابدار در مدارس می‌تواند فرهنگ کتابخوانی را در میان جامعه دانش‌آموزی رونق دهد ادامه داد؛ اگر کتابدار متخصص در این مراکز حاضر شوند؛ می‌توانند

انتقادی را میان دانش‌آموزان پرورش دهند و سواد اطلاعاتی را میان آنان تقویت کنند. افزایش سواد دیجیتال میان دانش‌آموزان مولفه دیگری است که کتابداران از طریق منابع مکتوب و صوتی و تصویری موجود در کتابخانه‌ها می‌توانند آن‌ها را تقویت کنند. یکی از مشکلات کنونی جامعه این است که میان مردم و دانش‌آموزان با کتابخانه‌های عمومی و آموزشگاهی فاصله افتاده است.

حسینی افزود: از اثرات دور بودن کتابخانه‌ها می‌توان به آسیب رسیدن به ادبیات گفتاری کودکان و نوجوانان و اقبال به موسیقی‌های خارجی از سوی کودکان و نوجوانان اشاره کرد. معضلی که با نزدیک شدن کودکان و نوجوانان به شبکه‌های اجتماعی که روزانه حجم زیادی از اطلاعات را در یک فضای جذاب به نوجوانان و نوجوان ارائه می‌کند، بیشتر شده است. کتابخانه‌ها در چنین شرایطی می‌توانند با احیای پُست کتابدار در مدارس ظرفیت‌های کتابخانه را در خدمت

جامعه قرار بدهند. مجلس دوازدهم با احیای پُست کتابدار می‌تواند شمار زیادی از دانش‌آموختگان علم اطلاعات و دانش‌شناسی را مشغول به کار کند و وظیفه و کارکرد اصلی کتابخانه‌ها را در حوزه آموزش و پرورش و مطالعه به آن بازگرداند.

این عضو هیئت علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه الزهرا (س) با بیان اینکه گنجاندن رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی در آزمون استخدامی همه دستگاه‌های دولتی بیان کرد: متأسفانه در آزمون استخدامی امسال آموزش و پرورش رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی به صورت مستقل نیامده است و دقیقه ۹۰ به‌عبارت نامه‌نگاری و پیگیری‌های انجمن کتابداری، این رشته البته نه با نام مستقل رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی به رشته‌های آزمون استخدامی آموزش و پرورش اضافه شد. افزودن رشته کتابداری به انواع آزمون‌های استخدامی کشور شرایط را برای به کارگیری دانش‌آموختگان رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی فراهم می‌کند و موجب می‌شود متقاضیان این رشته تا حدودی شرایط اقتصادی بهتری را تجربه کنند. این استاد علم اطلاعات و دانش‌شناسی با بیان اینکه مطالبه مهم و اصلی و اولویت دیگر جامعه کتابداری، تصویب طرح «نحوه تاسیس و اداره کتابخانه‌های عمومی کشور» است که

حسینی با توجه به بحث افزایش قیمت کتاب که ناشی از مشکلات کاغذ و تحریم و نوسانات ارز است، اظهار کرد: یک استاد دانشگاه برای انتشار کتاب درسی باید، هزینه‌ای را نیز شخصاً تقبل کند تا آن کتاب با شمارگان محدود وارد بازار کتاب شود حالا شما در مقیاس بزرگتر ببینید ناشران برای انتشار کتاب با شمارگان بالاتر چه شرایطی دارند. شرایط اقتصادی موجب شده کتاب یا کلاً با سبب خنوارها رهنم شود یا خرید کتاب‌های کمک درسی در اولویت خانواده‌ها قرار بگیرد. قانون‌گذار در این شرایط با تصویب یکسری از طرح‌ها و لوایح می‌تواند به کمک ناشران بیاید و ایجاد زمینه قانونی شرایطی را فراهم کند تا هزینه‌های تولید کتاب کاهش پیدا کند تا علاوه بر امکان تولید ارزان برای ناشران، مخاطبان از امکان داشتن کتاب با قیمت مناسب بهره‌مند شوند.

این استاد علم اطلاعات و دانش‌شناسی با اشاره به کارآفرینی پلتفرم‌های کتابخوانی که زمینه‌ساز افزایش مطالعه کتاب دیجیتال شده است، گفت: این پلتفرم‌ها موجب افزایش کتابخوانی الکترونیکی در جامعه شده‌اند و خوب است قانون‌گذار از این قبیل پلتفرم‌ها حمایت کند. این پلتفرم‌ها با حمایت قانونی بیشتر می‌توانند بحث تولید کتابی و مشکلات ناشی از گران بودن کتاب کاغذی را کنترل کنند.



مراستمن کنید

■ شنبه ۱۸ فروردین ماه ۱۴۰۲ ■
■ سال سیزدهم ■ شماره ۲۸۱۹ ■

حدیث

امام علی علیه السلام:

اَلتَّوَكُّلُ عَلٰى اللّٰهِ نَجَاتٌ مِّنْ كُلِّ سُوْءٍ وَجَزْءٌ مِّنْ كُلِّ عِدْوَةٍ
توکل بر خداوند، مایه نجات از هر بدی و محفوظ بودن از هر دشمنی است.

بهارانوار، ۷۸، ص ۱۹، ج ۵۴

www.sephrpress.ir

@sepehrgharb

Email: sepehrgharb.news@gmail.com

sepehrgharb

پرونده (جهش تولید با مشارکت مردم)

چهار ملاحظه راهبردی برای جهش تولید



رهبر

سپهرغرب، گروه ایران و جهان: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی در پیامی به‌مناسبت آغاز سال ۱۴۰۳، سال جدید را سال «جهش تولید با مشارکت مردم» نام‌گذاری کردند.

به همین مناسبت در یادداشتی به قلم آقای سید مهدی بنی‌طبا، مدیرکل دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس به بررسی ملاحظات راهبردی برای تحقق جهش تولید پرداخته‌ایم.

«ایران قوی (۱)» آرزمان مشترک همه ایرانیان است؛ آرمانی که تنها با «حضور مردم و مشارکت مردم» (۲) محقق خواهد شد. «جهش تولید» نیز یکی از ابزارهای مهم قدرت است (۳). بنابراین «جهش تولید با مشارکت مردم» گامی ضروری برای تحقق آرمان «ایران قوی» است. نگاهی به شرایط اقتصاد ایران نشان می‌دهد که جهش تولید در سال ۱۴۰۳ و سال‌های برنامه هفتم نیازمند توجه به چهار ملاحظه راهبردی است: «لزوم تدوین سند توسعه‌ی صنعتی»، «لزوم توجه به زیرساخت‌های تولید در ایران»، «ایجاد توازن بین حمایت از تولیدکننده و حمایت از مصرف‌کننده» و در نهایت «ضرورت تسهیل تأمین مالی تولید». در این ادامه هر یک از این ملاحظات بررسی شده‌اند.

الف) لزوم تدوین سند توسعه صنعتی پیش‌نیاز هرگونه سیاست‌گذاری برای جهش تولید، در اختیار داشتن برنامه‌ای مشخص برای توسعه‌ی صنعتی کشور است. با این وجود با گذشت بیش از دو سال از مطالبه رهبر معظم انقلاب در خصوص تدوین سند توسعه صنعتی کشور (۴)، هنوز یک سند لازم‌الاجرا در این زمینه تدوین و تصویب نشده است. با توجه به تأکید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و همچنین لازم‌الوجوب مبنی بر تهیه سند «راهبردی ملی پیشرفت صنعتی و ارتقای زنجیره‌های ارزش کشور» در برنامه هفتم، ضروری است این سند هر چه سریع‌تر تهیه و به چارچوبی برای حمایت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها تبدیل شود.

فقدان چنین سند راهنمایی، افت شدید کارایی و بهره‌وری در هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های دولت را به همراه خواهد داشت. محدودیت منابع

ریالی و ارزی کشور ایجاد می‌کند منابع در بهترین پروژه‌ها - و نه در پروژه‌های صرفاً خوب - هزینه شوند و این تشخیص، مبتنی بر یک چارچوب راهنما ممکن می‌شود. در حال حاضر شاهد هستیم که منابع برای پروژه‌هایی نظیر ساخت ورزشگاه و فاز دوم فرودگاه امام خمینی (ره) تأمین می‌شود ولی برای جلوگیری از افت فشار در میدان گازی پارس جنوبی یا نوسازی ناوگان حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای با مشکل تأمین منابع مالی مواجه هستیم. در حالی که اهمیت پارس جنوبی بارها در بیانات رهبر معظم انقلاب مورد تأکید قرار گرفته است (۵). همچنین ایشان حمل‌ونقل ریلی را نیز یکی از «زیرساخت‌های پیشرو» و «بسیار بسیار مهم» می‌دانند (۶).

خسارت دیگر در فقدان چنین راهنمایی، کور بودن حمایت‌ها و به تعبیری آبیاری غرقابی در برابر آبیاری قطره‌ای است؛ در حالی که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند «در این جهش تولید، برخی از بخشها، بخشهای پیشرو هستند، به اینها باید اولویت داده بشود.» (۷/۰۲/۱۳۹۹

وقتی ندانیم کدام تولید اولویت کشور است و از تولید بمانه‌و تولید حمایت شود، اولاً توان حمایت دولت تحلیل می‌رود. در ثانی با تولیدات غیربهره‌ور مواجه خواهیم شد؛ به‌طور مثال تأمین گاز و برق ارزان برای کلیه صنایع در اقتصاد ایران، منجر به توسعه‌ی کاریکاتوری برخی زنجیره‌ی ارزش‌ها - نظیر متانول در زنجیره ارزش پتروشیمی - شده است. همچنین حمایت غیرمشرط به هدف نیز منجر به تضعیف توان نوآوری و زاینده‌گی در تولید و به تبع آن، افت تولید بلندمدت خواهد شد.

ب) لزوم توجه به زیرساخت‌های تولید در ایران با وجود اینکه ایران جایگاه اول بزرگ‌ترین ذخایر نفت و گاز در دنیا را دارد، تاکنون حدود ۴۰ درصد از ذخایر قابل استحصال نفت و تنها حدود ۱۷ درصد از ذخایر قابل استحصال گاز کشور به تولید رسیده است که نشان‌دهنده ظرفیت بالای توسعه میادین نفت و گاز - به‌ویژه میادین گازی - کشور است. اما به دلیل عدم سرمایه‌گذاری و همچنین عدم حرکت به سمت بهینه‌سازی مصرف انرژی در ایران، ناترازی‌های شدیدی در حوزه انرژی در حال وقوع است. این ناترازی‌ها که رهبر معظم انقلاب نیز اخیراً به آن‌ها اشاره کردند (۷) - تأمین زیرساخت‌های لازم

ارز حاصل از صادرات به قیمت ارزان، تغییرات خلق‌الساعه در مقررات تجاری (ممنوعیت صادرات و امثال آن) با هدف تنظیم بازار داخل و از این دست مداخلات. به‌طور کلی اگر جهش تولید هدف اصلی اقتصاد باشد، باید به تولیدکننده اطمینان داد که در مواقع تنگنا، توسط

علاوه بر اینها در سال‌های اخیر افزایش میزان تقاضای برق در اوج مصرف تابستان و عدم رشد ظرفیت تولید برق متناسب با تقاضا، باعث ایجاد اختلاف قابل توجهی میان عرضه و تقاضا شده که منجر به اعمال طرح‌های مدیریت مصرف شده‌است؛ به نحوی که در اوج مصرف برق تابستان سال ۱۴۰۲، ناترازی برق به مقدار قابل توجهه ۱۲،۴۰۰ مگاوات رسید. از طرف دیگر، عدم تنوع سبد تولید برق و ناترازی در تولید و مصرف گاز طبیعی، امنیت عرضه برق را با تهدید جدی مواجه می‌کند و این مسئله، توسعه سریع ظرفیت‌های تولیدی ضربه نینند. (۸/۶/۱۴۰۱ با فسیلی (از جمله نیروگاه‌های تجدیدپذیر و واحد بخار نیروگاه‌های گازی) را به یکی از اولویت‌های اصلی صنعت برق کشور تبدیل کرده است.

ج) ایجاد توازن بین حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده

هر معامله‌ای دو طرف دارد: خریدار (مصرف‌کننده) و فروشنده (تولیدکننده). اقتصاد صحنه تعامل این دو گروه با یکدیگر است. دولت‌ها گاه با هدف افزایش رفاه جامعه، در این معاملات دخالت‌هایی انجام می‌دهند. رعایت عدالت و انصاف در این مداخلات امری ضروری و البته دشوار است و همواره این نگرانی وجود دارد که دولت‌ها برای دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت - که حمایت از مصرف‌کننده است - به زیان تولیدکننده حکم کنند. در حالی که بر اساس آیهی شریفه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّمَّكُمْ» (۸)، قرآن کریم در معامله، رضایت طرفین را شرط می‌داند.

برخی از مصادیق این دخالت‌های غلط عبارتند از: تبدیل قیمت‌گذاری دستوری کالاهاى تولید داخل به قاعده در سیاست‌گذاری اقتصادی، اولویت دادن به مصرف‌کننده‌ی خانگی در مواقع کمبود گاز و برق و تحمیل خاموشی به بخش صنعت، الزام صادرکننده به فروش



دولت، قربانی نخواهد شد و حقوقش پایمال نمی‌شود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند «رشد سریع و مستمر» با کمک مردم حاصل خواهد شد؛ لازمه‌ی حضور مردم نیز آن است که «مسئولان محترم دولتی و همچنین نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی مردم را به ایفای نقش مولد در اقتصاد ترغیب کنند و آنها را هدایت کنند؛ برای بخش خصوصی اعتماد ایجاد کنند که سرمایه‌گذاری کند، کارآفرینی کنند.» (۷/۱/۱۴۰۲ بنابراین اگر چه هدایت بخش خصوصی توسط دولت ضروری است اما هر اقدامی که منجر به کاهش اعتماد بخش خصوصی شود، انگیزه‌ی فعالیت مولد را از بین برده، مردم را به سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیرمولد با ریسک پایین‌تر تشویق می‌کند و خلاف تحقق هدف «جهش تولید» عمل می‌کند. (د) ضرورت تسهیل تأمین مالی تولید یکی از مأموریت‌های دولت و به‌طور خاص

بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی، تسهیل تأمین مالی تولید است و این هدف باید در کنار هدف کنترل تورم به صورت جدی در دستور کار قرار گیرد به همین دلیل رهبر انقلاب ضمن تأیید سیاست کنترل ترازنامه، فرمودند: «مراقبت کنید که تسهیلات بانکی نسبت به واحدهای تولیدی ضربه نینند.» (۸/۶/۱۴۰۱ مثلاً در دیدار اخیرشان با فعالان اقتصادی، ضمن تأکید بر ضرورت کاهش رشد نقدینگی، تذکر دادند که در تخصیص منابع بانکی به بنگاه‌های اقتصادی عدالت مراعات شود (۹).

بنابراین اولاً باید مراقب بود که توان تأمین مالی اقتصاد به نفع دولت و بخش‌های متصل به دولت مصادره نشود. ثانیاً در پرداخت تسهیلات بر اولویت‌های تولید و سرمایه‌گذاری کشور که جنبه منفعت عمومی دارد، تمرکز شود که لازمه آن تمرکز بر کیفیت تسهیلات پرداختی در کنار کمیت عددی است. یکی از موضوعات مهم دیگر در حوزه تأمین مالی، نقش بانک‌هاست.

گسترده و وسیع، امکان مشارکت مردم وجود دارد؛ سرمایه‌های مردم، ذهن مردم، دست‌های توانای مردم، سرانگشتان فعال و مبتکر مردم می‌تواند فعال بشود و کار کند.» (۱۰/۱۱/۱۴۰۲ ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نیز در واقع در راستای عملی شدن همین رویکرد اقتصاد مردمی بوده است: «روح اصل ۴۴ هم این بود که ما بتوانیم اولاً سرمایه‌های مردم و بعد مدیریت مردم را وارد عرصه اقتصاد کنیم... البته در همان محدوده‌ای که این سیاستها اجازه میدهند.» (۸/۰۶/۱۳۸۹

در این میان نقش و وظیفه مهم دولت حمایت از این جریان تولید مردمی است. البته حمایت نیز معنای روشنی دارد که بخش عمده آن به رفع موانع و زمینه‌سازی برای نقش‌آفرینی حداکثری مردم در اقتصاد کشور برمی‌گردد؛ (منظور از حمایت، تزیین منابع مالی صرفاً نیست بلکه میدان را باز کردن است... حمایت که می‌گوییم، یعنی برداشتن موانع، برداشتن موانع مثل چه؟ مثل برداشتن مقررات دست‌وپاگیر... یکی از حمایتها که بسیار مهم است، مبارزه با قاچاق است... یکی از کارهای لازم، منع جپی واردات بی‌رویه است... یکی از حمایتها مبارزه جدی با فساد مالی است... یکی از مسائل، مقابله جدی با کارشنکی‌های اداری است... یک مسئله مهم، رعایت حقوق مالکیت است... یک مسئله مهم پرهیز از کمک به سفته‌بازی و سوداگری‌های زیان‌بخش است... در یک مواردی معافیتهای مالیاتی لازم است... بنابراین حمایت واقعی از تولید، که گفتم دولت باید حمایت بکند، این چیزها و امثال اینها است.» (۱۷/۰۲/۱۳۹۹ البته (نظارت دولت هم لازم است... نظارت دولت مطلقاً قابل اغماض نیست؛ اما نظارت غیر از دخالت کردن است.» (۱۰/۱۱/۱۴۰۲

با اقتصاد مردمی، پیروزی از آن ایران اسلامی است

کلید پیروزی در جنگ اقتصادی



اقتصادی مستمر برمی‌گردد. راهکار عملیاتی شدن این رشد «تقویت تولید با نقش‌آفرینی مردم» است: «ما کی می‌توانیم این رشد سریع و مستمر را به دست بیاوریم؟ آن وقتی که با کمک و هدایت مردم بتوانیم تولید را افزایش بدهیم... ما توانایی زیادی داریم، می‌توانیم کارهای بزرگی انجام بدهیم، اگر از توانایی ملت در قرضه‌ی اقتصاد استفاده بشود وضع معیشت مردم حتماً بهتر خواهد شد، وضع تورم حتماً بهتر خواهد شد.» (۱۰/۱/۱۴۰۲ مبنای منطقی این جهت‌گیری کلان اقتصادی هم این است که «هیچ دولتی بدون مشارکت مردم نمیتواند اقتصاد کشور را سامان بدهد... بنابراین یکی از مسائل مهم ما باید این باشد که استعداد‌های مردم، ابتکارهای مردم، ظرفیتهای گوناگون مردم را وارد میدان اقتصاد کشور بکنیم.» (۱۷/۰۲/۱۳۹۹ البته نقش‌آفرینی مردم در تقویت تولید می‌تواند عرصه‌های متنوعی هم دراد «از صنایع بزرگی مثل نفت، مثل گاز، مثل فولاد بگیرد، تا مثلاً صنایع دستی؛ در همه این زمینه

و رشد اقتصادی را متوسط هشت درصد در سیاست‌های برنامه هفتم قرار دادیم.» (۱۰/۱۱/۱۴۰۱

اقتصاد ایران به دلایل روشنی به این رشد ثروت‌ساز برای کشور در اختیار دولت قرار می‌گیرد و در اختیار فعالان اقتصادی از مردم قرار نمی‌گیرد، همین مشکلاتی پیش می‌آید که ما امروز در اقتصادمان مشاهده می‌کنیم.» (۱۰/۱/۱۴۰۲

مهم‌ترین نقطه‌ضعف اقتصاد ما تصدی‌گری افراطی دولت است. وقتی که مردم از مدیریت اقتصادی و فعالیت اقتصادی کنار میمانند، کارهای بزرگ، شرکتهای مهم، تولیدهای ثروت‌ساز برای کشور در اختیار دولت قرار می‌گیرد و در اختیار فعالان اقتصادی از مردم قرار نمی‌گیرد، همین مشکلاتی پیش می‌آید که ما امروز در اقتصادمان مشاهده می‌کنیم.» (۱۰/۱/۱۴۰۲

نقش‌آفرینی مردم در میدان تولید، راه‌حل پیشرفت اقتصاد

اما راه غلبه بر مشکلات اقتصادی و جبران عقب‌ماندگی‌ها چیست؟ قطعاً راهکار این موضوع «رشد مستمر اقتصادی» است؛ «چبران این عقب‌ماندگی کار آسانی نیست؛ این طبعاً محتاج یک رشد مستمر پی‌درپی اقتصادی است... برای همین است که ما در برنامه هفتم توسعه، اولویت اصلی برنامه را گذاشتیم پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت...

می‌خورد؛ اگر حمله کودتایی می‌کنند، شکست می‌خورد؛ اگر حمله امنیتی می‌کنند، شکست می‌خورد؛ علت این است که مردم در صحنه حاضرند. آنجایی که توانستند مانع از حضور مردم در صحنه بشوند، دشمن پیروز شده؛ در خیلی از بخشهای اقتصادی همین جور است.» (۱۹/۱۰/۱۴۰۲

قطعا اگر در میدان جنگ اقتصادی نیز ظرفیت عظیم ملت وارد عرصه تقویت و جهش تولید ملی شود دستاوردهای بزرگی رقم زده می‌شود؛ «جهش تولید اهمیت دارد چون اگر واقعاً تولید را بتوانید جهش بدهید، همه شاخصهای اقتصادی مهمت کشور تغییر پیدا میکند... یعنی اشتغال پایدار به وجود می‌آید، بیکاری کاهش پیدا میکند، صادرات رونق پیدا میکند، درآمد ارزی برای کشور فراهم میشود، نرخ تورم کاهش پیدا میکند؛ علاوه بر اینها استقلال اقتصادی در کشور به وجود می‌آید و این موجب عزت ملی است... اعتماد به نفس ملی را بالا می‌برد و اقتصاد کشور را در مقابل تکانه‌هایی که از بیرون تحمیل میشود یا در داخل به وجود می‌آید حراست می‌کند.» (۱۰/۱۱/۱۴۰۰ «تولید رونق پیدا بکند، کارشناسان می‌گویند که آن وقت مشکل بیکاری حل میشود، مشکل تورم حل میشود، مشکل فقر در طبقات ضعیف حل میشود، معضل نظام بانکی حل میشود، مسئله ارزش پول ملی حل میشود، حتی مسئله کسری بودجه دولت با رونق تولید حل میشود.» (۱۰/۱/۱۳۹۸ «مسئله اصلی،

کلید اصلی، اینجا است؛ حضور مردم در همه مسائل، حل‌کننده مشکلات است... و حضور مردم هیچ جایگزین دیگری ندارد.» (۱۷/۰۲/۱۴۰۰ «اگر از توانایی ملت در قرضه اقتصاد استفاده بشود وضع معیشت مردم حتماً بهتر خواهد شد، وضع تورم حتماً بهتر خواهد شد.» (۱۰/۱/۱۴۰۲ و تجربه تاریخی ملت ایران نیز به روشنی همین را نشان می‌دهد: «هر جا مردم وارد شده‌اند ما پیشرفت کرده‌ایم، در دفاع مقدس مردم وارد شدند، ما پیروز شدیم؛ در مسائل سیاسی کشور مردم هر جا وارد شدند ما پیروز شدیم؛ در مسائل اقتصادی هم همین جور است؛ [اگر] مردم وارد بشوند، آحاد مردم وارد بشوند، ما پیروز خواهیم شد.» (۱۰/۱/۱۴۰۲

سپهرغرب، گروه ایران و جهان: دهه ۹۰ برای اقتصاد ایران و معیشت عمومی مردم دهه خوبی نبود؛ «ما در دهه ۹۰ به دلایل مختلف یک عقب‌ماندگی و به‌اصطلاح تعطیل نسبی مسائل اقتصادی داشتیم.» (۱۰/۱۱/۱۴۰۱

از دلایل این مسئله تحریم‌ها و فشارهای بی‌سابقه دشمنان ملت ایران بوده است؛ «این تحریمی که علیه کشور ما شده... تحریم بی‌سابقه‌ای است؛ خودشان هم گفته‌اند که از اوّل تاریخ، چنین تحریمی علیه هیچ کشوری نشده.» (۲۳/۰۱/۱۴۰۱ اما واقعیت این است که همه‌چیز هم به تحریم برنمی‌گردد؛ «بخشی [از عقب‌ماندگی اقتصادی] مربوط به عوامل خارجی و بیرونی است، بخشی مربوط به عوامل درونی است؛ مسئله تحریمها مؤثر بود، مسئله کاهش ارزش نفت در یک برهه‌ای از زمان مؤثر بود، مسئله تمرکز کشور بر روی مسئله هسته‌ای که اقتصاد را شرطی کرد، مؤثر بود؛ مسئله گوناگونی این‌جوری مؤثر بود؛ نتیجه این شد که ما یک دهه عقب‌ماندگی داریم.» (۱۰/۱۱/۱۴۰۱

با نگاه کارشناسی می‌توان ریشه‌های مشکلات در اقتصاد کشور را شناسایی کرد. مشکلاتی که منجر به سوءاستفاده و شکل‌گیری توطئه جنگ اقتصادی دشمنان علیه ایران اسلامی شده است؛ «ما از تحریم صدمه دیدیم و آسیب‌هایی از تحریم به اقتصاد ما، به مسائل گوناگون ما وارد شده است... این آسیب‌ها بیشتر ناشی از وابستگی ما به نفت است مثلاً؛ یا بیشتر ناشی از عدم حضور مردم در متن میدان اقتصادی است، [یعنی] دولتی کردن اقتصاد... ما می‌توانستیم در عرصه اقتصادی، دستهای گوناگون مردمی را وارد بکنیم. آن اشتباهاتی که کردیم در اوایل انقلاب که همین‌طور اصرار کردیم بر اینکه همه‌چیز بایست متعلق در اختیار دولت باشد... خوب نتیجه‌اش همین چیزها است؛ اینها را بایستی علاج کرد.» (۲۱/۱۲/۱۳۹۳

بر این اساس «مهم‌ترین مشکل اقتصاد ما تصدی‌گری دولتی است... بیشترین توجّه ما در دهه ۶۰ به این مسئله بود که کلید اقتصاد کشور را به دولت بسپریم... شاید